

بسم الله الرحمن الرحيم

"طوفان اقصی" مقدمه طوفان خلافت راشده

(ترجمه)

کشمکش یهود با حق، کشمکشی است ابدی و تا پایان این جهان هم چنان ادامه خواهد داشت. پیش از امت اسلامی، کشمکش یهود با پیامبران و رسولان الله بود و آخرین رسول و پیامبر الله محمد صلی الله علیه وسلم به امت اش خبر داده که کشمکش شما با یهود پس از من هم چنان ادامه خواهد داشت. نزاع فکری، عقیدتی، نظامی و رسانه‌یی با یهود به صفت یک امت خبیث، همواره وجود داشته و هم چنان ادامه خواهد داشت. بنابر این، جنگ میان ما و آنان تا فرارسیدن زمان نابودی کامل آنان به دلیل فساد و برتری جویی‌شان در زمین ادامه دارد؛ زمانی که هرگونه خیر و معروفی را مختل می‌کنند و به این ترتیب زمینه برچیده شدن رژیم مسخ شده‌شان فراهم می‌گردد!

پس کشمکش ما با یهود، کشمکش عقیدتی است. هرچند حکام مزدور ما تلاش می‌کنند طوری وانمود نمایند که انگار این کشمکش بر سر مستی خاک و یا بخشی از یک سرزمین و یا قدس شریف و امثال آن است! و یاهم کشمکش بر سر این است که بی‌جا شده‌گان و مهاجران فلسطینی به سرزمین‌شان برگردند و استقلال مرده‌یی به آنان داده شود!

البته جای تعجب هم نیست، زیرا این عروسک‌های متحرک و مترسک‌ها (حکام خائن و مزدور مسلمانان) در حقیقت ساخته و پرداخته خود یهود می‌باشند و به این هدف طراحی گردیده‌اند تا یهود را در برابر امت اسلامی محفوظ نگه‌دارند و این امت را پس از بیهوش کردن آن توسط کسانی از جنس خودشان می‌باشند، نیست و نابود کنند. این عروسک‌ها و مترسک‌ها با انجام دادن یک سلسله عملیات زیبایی بر چهره‌های کثیف خویش، طوری وانمود می‌کنند که انگار قهرمانانه وارد میدان شده‌اند و مردم سرزمین‌های اسلامی را نجات داده‌اند! این در حالی است که یهود خودش ادعا می‌کند که به دلیل عقیدتی و براساس احکام تورات مستحق فلسطین است؛ اما حکام ما عقیده، دین و قرآن خود را زیر پا نموده و کسانی را که سعی می‌کنند این عقیده، دین و قرآن را حمل نموده و بر اساس آن عمل نمایند، به بدترین اشکال ممکن نیست و نابود می‌کنند و یا حد اقل آنان را بازداشت نموده روانه زندان‌های مخوف خود می‌نمایند. سپس برای به دست آوردن رضایت و مقام‌های دروغین در برابر باداران خود به فخرفروشی می‌پردازند. بهترین‌های این حکام مزدور از نظر باداران‌شان، روابط خود را با یهود به حالت عادی برگردانیده و از یهودیان غاصب استقبال می‌کنند و آنان را به آغوش می‌گیرند، به نام صلح و بعضاً حتی به نام اسلام از وجود آنان دفاع می‌کنند و طوری وانمود می‌کنند که انگار این عمل بالمثل است، در حالی که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ [بقره: 120]

ترجمه: یهود و نصاری هرگز از تو راضی نخواهند شد؛ مگر زمانی که از ملت آنان پیروی نمایی.

هرچند یهودیان، کم جرئت‌ترین و بزدل‌ترین مخلوقات الله سبحانه و تعالی هستند، اما باید دانست که عمل بالمثل با یهود این است که به دین و عقیده خود برگردیم؛ دینی که جهاد برای برافراشتن و به اهتزاز در آوردن لوای اسلام را بالای ما واجب گردانیده. نباید

فراموش نمود که هیچ‌گونه شباهتی میان ما و آنان وجود ندارد، نه در تعداد، و در نه در شجاعت، اخلاق، جرأت، رویارویی با مشکلات، تحمل، صبر و... ما در تمام این موارد از آنان پیش هستیم!

به این ترتیب، برگشتن به عقیده توحید و منهج ربانی، همان نقطه آغازین برگشت به عزت و هیبت این امت به شمار می‌رود تا باشد که یک بار دیگر به سان گذشته به مرکز صدارت خود برگردد و مقدرات و سرزمین‌های اشغال شده خود را آغاز نماید؛ اعم از فلسطین، اندلس، کشمیر، آسیای میانه و سایر سرزمین‌های اسلامی اشغال شده.

باید دانست که برگشت به دین تنها پرداختن به شعایر و مناسک تبعیدی و تمسک به سنت‌های مندوب و تقلید در مسایل اخلاقی نیست، بلکه اساسی‌ترین آن همانا از سرگیری زندگی اسلامی و ایجاد خلیفه مسلمانان است تا بر اساس کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم حاکمیت نماید و زمینه این را فراهم نماید که بندگان مخلص و دارای شأن و شوکت و ابهت الله متعال شویم و به این ترتیب، اهلیت عملی نمودن قضا و قدر الله سبحانه و تعالی را با تحقق وعده الله و بشارت رسول‌اش را به دست آوریم که همانا خلافت راشده بر منهج نبوت است؛ وعده‌یی که الله متعال به بندگان مؤمن خود داده که هرگز به بخشی از مردم فلسطین خلاصه نمی‌شود.

الله سبحانه و تعالی وعده داده که مؤمنین را نصرت می‌دهد و گام‌های شان را مستحکم می‌نماید، فرمود:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا ۗ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

[روم: 47]

ترجمه: بی‌گمان قبل از تو رسولانی را به سوی قوم شان فرستادیم و دلایل روشن برای آنان آوردند، آنگاه از کسانی که مرتکب جرم شدند، انتقام گرفتیم و یاری نمودن مؤمنان حقی برعهده ماست.

و نیز فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: 7]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ اگر (دین) الله را یاری کنید، (او نیز) شما را یاری می‌کند و گام‌های تان را ثابت می‌گرداند.

بنابر این، راه حل قضیه فلسطین به صورت خاص و تمام قضایای مسلمانان به صورت عام، همانا اسلام است و بس. پس وحدت یافتن مسلمانان، هم از نظر عقل و هم از نظر شرع، مهم‌تر و مقدم‌تر از قضیه فلسطین بوده و برپانمودن خلافت اسلامی، نخستین گام آزادی به شمار می‌رود. آزادی انسان مسلمان از قید افکار و باورهای فاسد غربی و برگشتن به حریم اسلام، حریم حق و فطرت و حریم خیر و عزت. در قدم نخست امت اسلامی را می‌بایست از قید ذلت و غلامی آزاد نمود، از شر آتش استعمارفکری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آزاد نمود که بالای امت تحمیل گردیده و سراسر وجود آن را فرا گرفته. امت اسلامی را می‌بایست از

قید بغض و کینه‌هایی آزاد نمود که علیه یکدیگر در دل می‌پروراندند، بغض و کینه‌هایی که استعمار آن را در وجودشان کاشت و آن را پرورش می‌دهد.

بنابر این، آزاد نمودن یک سرزمین هیچ فائده‌ای نخواهد داشت؛ مادامی که انسان مسلمان از شر افکار آلوده و کثیفی که به او پیوند زده شده آزاد نگردد، در غیر این صورت، مردم در جریان هر جنگی که با یهود به راه می‌افتد، چنین تصور می‌کنند که غزه را می‌توان با دعاء، لباس و غذا نصرت داد؛ نه با اردویی که لواء و رایه رسول الله صلی الله علیه وسلم را حمل می‌کند؛ در حالی که سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین مملو از نمونه‌ها و مثال‌هایی است که چگونگی رویارویی با دشمن را با وضاحت کامل نشان می‌دهد.

رژیم غاصب یهود ایجاد نگردید؛ مگر پس از غروب آفتاب اسلام از صحنه زندگی جمعی و اینک (اسرائیل) نیز هرگز از صحنه کنار نخواهد رفت؛ مگر پس از طلوع مجدد صبح اسلام؛ زیرا این رژیم غاصب در حقیقت سایه نظام‌های مزدوری است که از آن در برابر آتش خشم امت محافظت می‌نماید. بناءً در نخست باید برای سقوط دادن تمام دولت‌های "اسرائیلی" کار و تلاش نمود که در نبود اسلام سربلند نموده اند، دولت‌هایی که ساخته و پرداخته بریتانیا و امریکا هستند. اینک تأکید می‌کنیم که این راه حل اسلامی، راه‌حلی است که دنبال نمودن آن واجب، ضرور و بدیهی است و نه یک کار دوطالبانه و نافله، بلکه فریضه دینی، ایمانی و اسلامی!

قبل از آن که به فلسطین و آزاد نمودن آن توسط اسلام به عنوان یک وسیله در کنار سایر وسایلی که برای آزادی آن به کار گرفته می‌شود صحبت کنیم، باید این مسأله را واضح نمائیم که اگر خواسته باشیم از اسلام به عنوان یک وسیله برای آزادی فلسطین استفاده کنیم، هرگز موفق نشده و هرگز نصرت نخواهیم یافت؛ زیرا این نوع اسلام همانا اسلام فلسطینی، ملی و قومی بوده و هیچ سهمی از دین و حق ندارد. چنین اسلامی شرعاً مردود است و هیچ ربطی به اسلام نداشته و به هیچ وجه از آن سرچشمه نگرفته و بجز نام اسلام دیگر هیچ بخشی از آن به اسلام مرتبط نیست. جریان‌های آزادسازی ملی که زیر نظر کفار استعمارگر طراحی گردیده اند، واضح‌ترین نمونه‌های چنین اسلامی هستند.

اسلام یا یک کل متکامل و فراگیر است و یا اصلاً وجود ندارد. پس نمی‌توان چیزی را به اسلام پیوند زد و نیز نمی‌توان بخشی از اسلام را حمل نمود و بقیه آن را نادیده گرفت. بناءً کسی که عبادات اسلام را انجام می‌دهد و سایر احکام، حدود، جهاد، ولاء و براء را نادیده می‌گیرد، به فردی می‌ماند که می‌خواهد از میان تمام اسلام تنها به آزادی فلسطین بپردازد، این دو دیدگاه هیچ فرقی با یکدیگر ندارد!

اسلام باید چنان حمل گردد که رب‌العالمین می‌خواهد، نه چنان که ما بر اساس هوای نفس خود می‌خواهیم؛ طوری که هر آنچه از اسلام منافع مادی ما را تأمین کند، می‌خواهیم و هر آنچه به ضرر منافع مادی ما باشد، نمی‌خواهیم! پس قبل از آن که برای آزادی فلسطین و برپایی دولتی ملی در آن با مرزهای تخیلی که مردم فلسطین را از بیکر امت اسلامی جدا کند و آنان را از پایبندی به احکام شریعت الله سبحانه و تعالی دور نماید، سعی و تلاش نماییم، قبل از آن لازم است برای ایجاد خلیفه‌یی برای مسلمانان سعی و تلاش نماییم که بر اساس دین الله در میان ما حکومت کند و برای برافراشتن لوای اسلام جهاد را راه اندازی نماید. بناءً، فلسطین نباید دغدغه اول و اخیر ما باشد و جهاد باید به هدف اعلائی کلمه الله و برگرداندن وحدت امت اسلامی و گسترش دین

الله صورت گیرد؛ اما قضیه فلسطین از نظر اسلام در مقایسه با اصل دین، یک قضیه فرعی و جزئی است. مسلمانان نباید زیر پرچم‌های ملی به جنگ یهود بروند، بلکه به صفت مسلمانان و بندگان الله که در برابر هیچ چیزی بجز ذات او تعالی سر خم نمی‌کنند، می‌باید به مصاف یهودیان غاصب بروند. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«لا تقوم الساعة حتى يقاتل المسلمون اليهود فيقتلهم المسلمون، حتى يختبئ اليهودي من وراء الحجر والشجر، فيقول الحجر أو الشجر: يا مسلم يا عبدالله، هذا يهودي خلفي فتعال فاقتله، إلا الغرقد فإنه من شجر اليهود» (متفق علیه و اللفظ لمسلم)

ترجمه: قیامت برپا نخواهد شد تا زمانی که مسلمانان به جنگ یهود بروند و مسلمانان آنان را به قتل رسانند؛ در حدی که یک فرد یهودی در پس سنگ و درخت پنهان می‌شود و آن سنگ یا درخت صدا می‌زند: ای مسلمان، ای بنده الله، این یک یهودی است که در پس من پنهان گردیده بیا و او را به قتل برسان، بجز درخت "غرقد" که از جمله درخت یهودیان است.

یهودیان حتی در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم در حاشیه قرار داشتند و کسی آنان را این چنین به حساب نمی‌آورد. آنان این شأن و شوکت را در نبود اسلام به دست آورده اند، درست مانند زمان جاهلیت قبل از اسلام که از شأن و شوکت خاصی برخوردار بودند. الله سبحانه و تعالی پیامبران خود را برای تمام مردم فرستاده و نه برای یک قبیله یا گروه و یا امتی و به همین دلیل بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم همانطور که با قریش و سایر عرب‌ها می‌جنگید، با یهود نیز می‌جنگید. البته جزای یهود شدیدتر و زنده‌تر بود؛ زیرا آنان اهل کتاب بودند و کلام الله را تحریف نموده بودند؛ هم‌چنین به دلیل این که این قوم، یک قوم پست و خسیس بودند و نیز بر اساس کدام حکمتی از جانب پروردگار جهانیان که ما از آن بی‌خبریم.

دولت نسخ شده یهود به خواست و اراده الله متعال به مجرد برگشتن اسلام به صحنه زندگی به صورت کامل و با برپایی دولت خلافت اسلامی، خیلی زود محو و نابود خواهد گردید؛ زیرا این تنها دولت خلافت خواهد بود که دیوارهای آهنینی را که رژیم یهود در پس آن پناه گرفته درهم خواهد شکست؛ در غیر این صورت چگونه ممکن است به یهودیان دست پیدا کنیم؛ در حالی که سیم‌های خاردار و دیوارهای بلندی را در اطراف خود کشانیده اند؟! به مجرد این که این سیم‌های خاردار و دیوارهای آهنین از میان برداشته شود، رژیم یهود نیز محو و نابود خواهد گردید؛ زیرا دسترسی به آنان سهل گردیده و نابود کردن شان میسر خواهد شد. اما پیش از همه، مجاهدین باید مطمئن شوند که از پشت در امن قرار داشته و حمایت می‌شوند و کسی وجود ندارد که در جریان ادای وجبیه جهاد، از پشت به آنان خنجر زند! در آن صورت با در اختیار داشتن نصف امکاناتی که اردوی اشغالگر در اختیار دارد، می‌توان آنان را محو و نابود نمود و این کار هرگز ممکن و میسر نخواهد بود؛ مگر با به حرکت درآوردن اردوی مسلمان زیر لوای اسلام. الله متعال مؤسس حزب التحریر، شیخ تقی‌الدین نبهانی را غریق رحمت خویش گرداند که چه دقیق و به جا گفت: «(اسرائیل) سایه نظام‌های عربی است، هرگاه شیء از بین برود، سایه آن نیز از بین خواهد رفت.»

بنابراین به مجرد این که نهبانان واقعی رژیم یهود و حامیان واقعی آن که خود را مسلمان و عرب می‌خوانند - در حالی که در اصل برادران یهود با نام‌های عربی می‌باشند - از میان برداشته شوند و به مجرد این که مرزها در برابر اردوی مخلص محمدی صلی الله علیه وسلم باز گردد، رژیم یهود به خواست و اراده الله متعال فوراً محو و نابود خواهد گردید و این وعده الله سبحانه و تعالی برای مؤمنان است.

آنگاه بمب‌های هسته‌ای و طیاره‌های بدون سرنشین آن فائده‌ی برای شان نخواهد داشت. این نظام‌های خائن سوار برگرده امت استند که رژیم یهود را شکست‌ناپذیر جلوه می‌دهند. همین نظام‌هایی که بدون وقفه با تبلیغات سیاسی، روانی، رسانه‌یی، عقیدتی و روحی در برابر این امت می‌جنگند تا فرزندان امت را از سلاح هوایی یهود بترسانند که انگار شکست‌ناپذیر است و بمب‌های هسته‌ای آن و نیز موشک‌های بالستیک آن می‌تواند تمام پایتخت‌های عربی را هدف قرار دهد! آنان این تبلیغات را به این هدف انجام می‌دهند تا عزم و اراده و اخلاص را در فرزندان مان برای آزادی مقدسات بکشند، به این بهانه که ما توان و امکانات نظامی و هسته‌ای و تکنالوژیکی (اسرائیل) را نداریم. این در حالی است که خودشان هم برای سربلندی امت و دستیابی آن به تکنالوژی، علم، صنعت و امکانات نظامی هیچ گامی بر نمی‌دارند؛ بلکه پیوسته تمام تلاش خود را صرف این می‌کنند که ما را وادار کنند در برابر این قدرت دروغین و نمادین که به بالونی از وهم و خیال شباهت دارد، سر خم نماییم. اگر اسباب بیداری فکری و جوانان مخلص را که الله سبحانه و تعالی برای تلنگر زدن به امت نمی‌بود که از خواب غفلت بیدار شده و فریب این تبلیغات دروغین را نخوردند، بسیاری از فرزندان این امت به نقطه ناامیدی کامل رسیده و به فراخوان‌های صلح و تسلیمی تن می‌دادند؛ چنان که بعضی‌ها به همین باور رسیده اند!

شکی نیست که عملیات "طوفان اقصی" که به تاریخ 7 اکتوبر 2023م راه‌اندازی گردید، تکان خوبی برای امت بود؛ طوری که قضیه فلسطین را در مسیر درست آن قرار داد و امید را در دل مسلمانان زنده نموده و وجدان‌ها و مشاعر اسلامی آنان را به حرکت آورد و به یادشان داد که آنان بخشی از بهترین امتی هستند که برای هدایت بشر فرستاده شده اند و دانستند که صلح مسلمانان یک صلح و جنگ شان یک جنگ است و درست به همین دلیل است که لوای شان نیز باید یک و دولت شان نیز یکی باشد که همانا دولت خلافت راشد بر منهج نبوت؛ دولتی که مصطفی صلی الله علیه وسلم بشارت برپایی آن پس از حکومت‌های جبری را داده، حکومت‌هایی که امروزه در آتش آن می‌سوزیم.

طلوع آفتاب دولت خلافت به خواست الله متعال بسیار نزدیک است؛ دولت خلافتی که طوفان آن، تمام قدرت‌های کفری و طغیان‌گر را با خود خواهد برد و خیر، عدالت و برکت را به جای آن در سراسر زمین گسترش خواهد داد!

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [حج: 40]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) قطعاً کسانی را که او را نصرت می‌دهند، یاری خواهد نمود، بدون شک که الله قوی و شکست‌ناپذیر است.

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: 21]

ترجمه: الله بر کاری که انجام می‌دهد، غالب است اما بسیاری از مردم نمی‌دانند.

نویسنده: انجنیر وسام اطرش-ولایه تونس

مترجم: عبدالله دانشجو